**اندر گذاری . . . .**

<به جانباختگان شوریده ی جنبش دی ۹۶>

برکه های غله را به  قحطی اقیانوس بخشیدیم

و  لطافت سپیده را به غروبی

که آخرین بازتاب را

بر تکْ برگ بلندترین شاخه می سایید

چون صدفهای باز و بسته و پوکِ پند و خاطره و بند را  شکستیم

ناله ای بگوش نرسید

و هرچند کف اقیانوس لیز و تاریک بود، سبکبار

در جهانِ آبها غوطه می خوردیم

با دستی، ماهیان مرده را از ژرفایی خاموش بر سطح می راندیم

و با دست دگر،

از برق مردمکهای ماهیان بیتاب،

فانوس دریا را برافروختیم

گویی که یافته بودیم

و چنان سر از پا نمی شناختیم

که هوای روییدن سبزه از سلولهایمان

دود شد

و کوزه گر با گِلِ کوزه یکی.

گوپ. . . گوپ . . .

تلاشی صخره های سخت،

صدای شکستن مرزهای دید و بود را شنیدیم

و با جان و دل

در سیاله ی بودن جاری شدیم.

آتلانتا، ژانویه ۲۰۱۸

divanpress.com